اکران «فرمانروای آب»

انیمیشن سینمایی «فرمانروای آب» به نویسندگی و کارگردانی مجید اسماعیلی و تهیه‌کنندگی مجتبی امینی و حسین سلطانی در آینده نزدیک اکران می‌شود. به گزارش فارس، این انیمیشن قصه پویش، پدر فرید را روایت می‌کند که در سفر کارشناسی به عراق درگیر حادثه تروریستی شده و مفقود می‌شود. در این بین افرادی هستند که فکر می‌کنند پویش زنده است. فرید به دنبال پیدا کردن راهی است تا از سرنوشت پدر خود مطلع شود.

تمدید نمایشگاه «صد اثر هنرمند»

لیلی گلستان از تمدید رویداد «صد اثر هنرمند» تا پایان شهریور خبر داد. به گزارش جام جم، بیست و نهمین نمایشگاه صد اثر هنرمند که به صورت آنلاین در سایت گالری گلستان در جریان است با ارائه ۴۹۵ نقاشی، خط و مجسمه کار خود را آغاز کرد و اکنون ۵۸۰ اثر هنری را به معرض تماشا و فروش دارد. این نمایشگاه در حالی تمدید می‌شود که در زمان اولیه آن، ۱۳۰ اثر به فروش رسید.

- دغدغه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کاهش این تخلفات و تضییع حقوق ناشران و نویسندگان است.
- به دنبال تقویت آموزش‌های هنری هستیم.
- وظیفه ما جلب اعتماد هنرمندان است.
- دسترسی عادلانه به فضای هنری را برای همه کشور فراهم می‌کنیم.
- تعطیلی اصناف و خانه‌های سینما، تئاتر و موسیقی صحت ندارد.
- یکی از برنامه‌های ما تقویت حوزه پویانمایی است.

۱۴ شهریور

چهاردهمین دوره رزمایش همدلی و کمک مومنانه که در قالب پویش شمیم حسینی و مهر تحصیلی در بقعه مقدس شیخ صدوق برگزار شد، میزبان وزیر ارشاد بود.

۱۸ شهریور

وزیر فرهنگ خواستار ارائه نظرات اهالی فرهنگ، هنر و رسانه شد و از آنها خواست نظرات و دیدگاه‌هایشان را به درگاه namafar@css.ir یا به روابط عمومی وزارت ارشاد ارسال کنند.

۱۸ شهریور

محمدمهدی اسماعیلی در آیین بزرگداشت مرحوم رنجبر کرمانی شرکت کرد تا احترام خود را به پیشکسوتان عرصه فرهنگ و هنر نشان بدهد.

دست یاری به سوی وزیر

پیش از آن که محمدمهدی اسماعیلی به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از مجلس رای اعتماد بگیرد، اظهارات و واکنش‌ها به انتخاب او آغاز شد. برخی هنرمندان به این انتخاب انتقاد کردند، برخی دیگر بعد از انتشار طرح مکتوبی که به عنوان برنامه وزیر ارشاد در رسانه‌ها منتشر شده بود، انتقادهای تندی کردند، برخی بیانیه صادر کردند، برخی هم مانند استاد علی نصیریان و هوشنگ جاوید پژوهشگر موسیقی برای وزیر جدید نامه نوشتند. در این میان کسانی هم دست همراهی به سوی وزیر دراز کردند و به دعوت او برای همراهی پاسخ دادند که از آن جمله می‌توان به حجت‌الاسلام قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی اشاره کرد.

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در بیانیه‌ای که دیروز به دست رسانه‌ها رسید، حمایت کامل این سازمان را از دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد برای ارائه نظرات راهبردی و ایده‌های کاربردی خود به منظور بازسازی انقلابی ساختار فرهنگی اعلام کرد.

حجت‌الاسلام قمی در بخشی از این بیانیه علاوه بر اشاره به مسوولیت اولیه مسوولان کشور و تکلیف صریح و علنی تعیین‌شده از سوی رهبر انقلاب به جنبه دیگری از این ماجرا اشاره و اضافه کرد: «از مسوولیت اصحاب فرهنگ و رسانه نمی‌توان چشم پوشید. ما فکر می‌کنیم در یک سازوکار مشارکتی و با استفاده از توان، خبرگی و تجربه پیشکسوتان فرهنگ، هنر و رسانه در کنار آرا و نظرات و دغدغه‌های طیف وسیع جوانان فعال، خلاق، خوشفکر و پر اثر در این عرصه، می‌توان تمام ظرفیت عقلانیت و خردمندی انقلابی را در بازسازی ساختار فرهنگی کشور به میدان آورد.»

رئیس سازمان تبلیغات اسلامی اقدام ارزشمند وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در دعوت از اهالی فرهنگ، هنر و رسانه برای ارائه نظرات راهبردی و ایده‌های کاربردی خود در این موضوع را به فال نیک گرفت و اعلام کرد: «بنده نیز از همه کنشگران این عرصه از هنرمند، استاد، پژوهشگر، سیاستگذار، مدیر و فعال فرهنگی و رسانه‌ای در بخش‌های دولتی، عمومی و مردمی در اقصی نقاط کشور، صمیمانه و خالصانه می‌خواهیم از دو منظر آسیب‌شناسانه و فرصت‌محور و رو به آینده و با طرح مباحث برخاسته از اندیشه و حکمت و با اتکاء به عقلانیت انقلابی، به این کار جمعی بپیوندند و در به سرانجام رسیدن آن مشارکت کنند. در کنار این دعوت و در همین راستا، اولین و اصلی‌ترین مأموریت مرکز بررسی‌های راهبردی فرهنگ را ارائه یک معماری و طرح کلان برای بازسازی ساختار فرهنگ و رسانه در کشور مبتنی بر یک شبکه عقلانیت و با ایجاد سازوکار مشارکت جمعی و امکان دریافت فعالانه نظرات، ایده‌ها و طرح‌های آحاد فعالان این عرصه می‌دانم. از این مرکز می‌خواهم در تعامل وثیق با حرکت آغاز شده توسط وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی، ظرف حداکثر یک ماه، روش و مدل حضور، مشارکت، مباحثه، تضارب آرا، تعمیق مباحث و اثرگذاری را به اطلاع عموم برساند.»

صبر و مدارا لازم است

امیرحسین علم‌الهدی کارشناس ارشد فرهنگی و مدیر اسبق گروه سینمایی هنر و تجربه درباره فعالیت وزیر ارشاد به جام جم گفت: «محمدمهدی اسماعیلی، در همین ابتدای کار برنامه‌های کوتاه‌مدتی برای کاهش آسیب‌های ناشی از کرونا برای اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه مطرح کردند که نشانگر حسن نیت‌شان برای خدمت‌رسانی در این عرصه است. تقویت آموزش‌های هنری، ملی‌شدن صنعت نشر، تخصیص بسته‌های حمایتی به هنرمندان (شامل یکسری کمک‌های بلاعوض و همچنین تسهیلات با سود کم)، واکسیناسیون هنرمندان بدون محدودیت سنی و... گویای آن است که بنا بر گفته خودشان آمده‌اند تا انبساط حوزه فرهنگ و هنر را تامین کنند، اما نباید فراموش کرد که حوزه فرهنگ و هنر، حوزه صبر و تامل و مدارا است و شاید سال‌ها طول بکشد تا تاثیر هر قدمی که در این حوزه برداشته می‌شود، نمایان شود. در دو هفته‌ای که از حضور ایشان در مسند وزارت فرهنگ و ارشاد می‌گذرد می‌توان نگاه مثبتی که به فعالان حوزه فرهنگ و هنر دارند را احساس کرد، اما برای ارزیابی دقیق از این‌که قرار است چگونه در این عرصه فعالیت کنند باید منتظر پیاده‌سازی سیاست‌های اجرایی‌شان ماند. به هر حال امیدوارم در مدت مسوولیت وزیر جدید فرهنگ و ارشاد شاهد آرامش، توسعه و حفظ کرامت جامعه فرهنگی و هنری کشورمان باشیم. ما زنده‌ایم به امید تا ببینیم در آینده چه اتفاقاتی رخ می‌دهد.»

شروع مدبرانه و متین

علیرضا تابش مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی و دبیر جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان درباره اقدامات وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ابتدای حضور در این وزارتخانه و گام‌های اولش به جام جم گفت: «طبق تجربه دهه‌های پیشین، تغییر و تحولات دولت (به ویژه تفاوت رویکرد میان دو دولت جدید و قدیم) معنادار و قابل توجه است و عموما در میان کسب و کارهای فرهنگی، هنری و هنرمندان و اهالی سینما ایجاد تشویش و نگرانی می‌کند. چراکه سینماگران از یکسو مستقیماً با مردم سخن می‌گویند و از طرف دیگر، سیاست‌های دولت‌ها در وجوه مختلف، بر نوع و شکل فعالیت آنها تاثیر قابل توجهی خواهد داشت. خوشبختانه در طول مدت اندکی که از ورود جناب آقای دکتر اسماعیلی به دفتر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌گذرد، نوع مدیریت این تشویش و نگرانی، به ویژه با عنایت به سوءتفاهمی که در ابتدای معرفی ایشان به مجلس برای اخذ رای اعتماد ایجاد شد، به نظر مدبرانه و با متانت در حال اعمال است. اشاره ایشان به رویکرد دولت جدید در ادامه‌یافتن و تقویت جشنواره‌ها، پیگیری مشکلات ایجادشده در دوران کرونا، تکریم هنرمندان و نگاه ایجابی به جامعه هنری در کل کشور باعث شده است تشویش جامعه سینماگران، نمود کمتری پیدا کند و جامعه هنری ما در انتظار تحقق وعده‌ها و گام‌های اجرایی و عملیاتی بعدی باشد.»

قمی:
اولین و اصلی‌ترین مأموریت مرکز بررسی‌های راهبردی فرهنگ را ارائه یک معماری و طرح کلان برای بازسازی ساختار فرهنگ و رسانه در کشور مبتنی بر یک شبکه عقلانیت و با ایجاد سازوکار مشارکت جمعی و امکان دریافت فعالانه نظرات، ایده‌ها و طرح‌های آحاد فعالان این عرصه می‌دانم

یادداشت

توسعه فرهنگ اربعین در کارزار تبلیغات شیعه‌هراسی

مهدی توکلیان
فعال فرهنگی

ضعیف کردن بنیان خانواده‌ها، ترویج فمینیسم، عادی‌سازی نابهنجاری‌ها، پوچ‌گرایی، همسان‌سازی فرهنگی و مذهبی با غرب و نشر ایدئولوژی سکولاریسم به‌طور غیرمستقیم برخی از اهداف و کارکردهای پنهانی است که رسانه‌های نوین و نوظهور غربی برای ترویج و اشاعه آن از هیچ تلاشی کوتاهی نکرده و همواره در تلاشند تا با کارکردهای آشکار رسانه‌ای و تمسک جستن به ساحت فرهنگ و هنر، به اهداف خود راه یابند.

نوجوانان و جوانان، زنان، اقوام و مذاهب ایران اسلامی و با تعیین هر یک از مؤلفه‌های مورد هدف در برنامه‌سازی‌های رسانه‌ای عصر حاضر آشکار می‌شود. تغییر سبک زندگی یکی از اصلی‌ترین اهداف این برنامه‌هاست که قصد دارد نوعی سبک زندگی جدید را در مقابل سبک زندگی ایرانی قرار دهد که خود باعث تغییر دیگر رفتارها و باورهای مخاطبان خواهد شد. گسترش روابط غیرمتعارف در میان نسل جدید و بهره‌برداری ابزاری از هنر برای گسترش تفکرات انحرافی که این‌گونه زاویه دید معنایی در رسانه‌هایی با محور سرگرمی با قطعیت دیده می‌شود نکته قابل توجه و مهمی است که نباید با تغافل با آن برخورد کرد.

آیین‌های سنتی در ایران اسلامی به جهت تکثر و تنوع اقوام ایرانی در مناسبت‌های شادمانی و عزاداری و وفیات حضرات معصومین علیهم السلام در این سرزمین ریشه و قدمت دارد و همواره مورد توجه مردم بوده است و توجه دادن فرهنگ، رسوم و آداب و سنن محلی اقوام ایرانی باعث تقویت همگرایی و همراهی بیشتر بین مردم بوده و این موضوع برای دشمنان دردی بزرگ و زخمی عمیق به‌حساب آمده و لذا می‌کوشند تا با تمام توان و ظرفیت موجود به سست کردن اعتقادات و تفکرات نسل جوان و نوجوان ایران بپردازند.

رصد و ارزیابی و بررسی تک‌تک اتفاقات رسانه‌های معاند نظام در فضای مجازی و ماهواره‌های موید این نکته است که تمام این مؤلفه‌ها را می‌توان در برنامه‌ریزی رسانه‌های معاند به‌وضوح مشاهده کرد. اربعین حسینی که هرساله در طول تاریخ تشیع مورد توجه مشتاقان و علاقه‌مندان به زیارت عتبات عالیات بوده است نمونه بارز آیین‌های عزاداری شیعیان و ایرانیانی است که با قدمتی قلبی و قبلی نسبت به حضور در این آیین عظیم مشارکت داشته و حضور در اربعین را رزق و توفیقی الهی می‌دانند و دشمنان سالیان زیادی است در تلاشند تا این‌گونه آیین‌ها را بین نسل جوان ضعیف جلوه داده و با ایجاد شبهات نامعقول، اصل این رویداد را در ذهن مخاطبان مشتاق خدشه‌دار کنند. اسلام‌هراسی و تبلیغات وسیع در این حوزه مسأله‌ای است که امروزه با گسترش فعالیت‌های افراط‌گرایانه و وجود داعش و تبلیغات وسیع رسانه‌های جهان به‌صورت‌های مختلف، دامنگیر مسلمانان و کشورهای اسلامی شده است. هرچند اسلام‌هراسی، مسأله جدیدی نبوده و نیست.

اسلام‌هراسی از زمان شروع اسلام آغاز شده است و در مکه و مدینه نیز مخالفان اسلام، تهمت‌هایی را به اسلام و مسلمانان می‌زدند و تلاش می‌کردند تا چهره و اهداف مسلمانان را مخدوش کنند. در عصر حاضر، جریان جدید اسلام‌هراسی با حضور صهیونیست‌ها و قدرت رسانه‌ای در اختیارشان تلاش وافری را از خود نشان داده‌اند تا با راهکارهای رسانه‌ای، مواجهه با این موضوع به نتیجه برسد. وهابیت که برداشتی افراطی و غلط از آموزه‌ها و تعالیم دین مبین اسلام است، همواره در تلاشند تا با شیعه‌هراسی، نگاه مردم جهان به رویداد جهانی اربعین را تضعیف کرده و با هر امکان و تجهیزاتی که دارند از اجتماع میلیونی مشتاقان به اربعین بکاهند.

اینجاست که توسعه فرهنگ اربعین، با کمک متفکران، اندیشمندان، اصحاب قلم و رسانه اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

بررسی چرایی ماندگاری برخی شعرهای آیینی با نگاهی به ترکیب‌بند محتشم

آنجا که آسمان تپید!

علی مظاهری
روزنامه‌نگار

جادوی تناسب واژگان، همه‌جا شعر محتشم را مالامال جذابیت کرده. این سروده خواندنی را که مرور می‌کنیم هرگز خسته نمی‌شویم و هربار لذت دریافت متن و شور شکوهمند کلمات را نه کمتر از پیش که بیش و بیشتر می‌نیوشیم و حظ می‌بریم با هم می‌خوانیم.

دانش بلاغت و معانی در روزگارانی دست‌مایه بایسته و ناگزیر هر سخنوری بود و چونان زمانه ما هنر بلاغت فارسی، این همه به آخر خط نرسیده بود و روح‌بخش سخن سرایندگان بود و صفایی به متن می‌داد که آفرین مخاطب را برمی‌انگیخت. شاید یکی از دوران اوج بلاغت فارسی و کاربرد آن زمانه حافظ بود. این سخنور یگانه، چنان جان سخن را کاویده و راه‌های رفته و نرفته را پیموده که دیگر پس از او هیچ سراینده‌ای نتوانست گلی به سر ادب پارسی بزند (داستان سبک هندی چیز دیگری است). یکی از شگردهای زبان‌ورزی حافظ که به‌طور گسترده در غزل‌هایش موج می‌زند تناسب است. وقتی دقت‌نظر خواجه شاعران را به مناسبت واژگان و تناسب‌شان در شعر مرور کنیم بیشتر درمی‌یابیم که چه نگفته‌ها که گفته، چه مخفیگاه‌ها و ضلع و زاویه‌هایی که در زبان بوده و تنها او توانسته کشف‌شان کند و به زیبایی هرچه تمام‌تر به ما نشان بدهد. تناسب بی‌اغراق و بزرگ‌نمایی، معجزه می‌کند و اعجاز سخن که به سحر و جادوی حلال مشهور است شاید بیش از هر تکنیک دیگری به همین تناسب و مناسبت کلمات متکی باشد. کافی است به قصیده ترجمه‌ای امیرمعزی از معلقات عرب جاهلی بنگریم که به‌خاطر همین شگرد و شیوه و رعایت تناسب واژگان، از قضا شاهکار دیوان اوست؛ آن افسونی که توانسته ترکیب‌بند محتشم را از پرشمار اشعار عاشورایی فراتر بنشاند و سپهر جاودانه‌ای را برای این شعر بیافریند. دقت که بفرمایید همین تناسب و مناسبت واژگان است که این ترکیب‌بند را تا حد اعجاز بالابرده است به گونه‌ای که برای دست‌کم دوسه بزنگاهِ زبانی (منظور تکنیک‌های معنوی شعر محتشم است که در چندجا بسیار خوش‌نشسته) از سوی مردمان، داستان و قصه بافته و ساخته شده که هیچ تفاوتی با داستان‌های عامیانه ندارد که درباره دیگر شاعران بزرگ و سترگ برساخته‌اند. این‌که باباطاهر در یکی از زمستان‌های افسانه‌ای همدان قدیم (که در آغاز پاییز فراخوان می‌کردند هرکسی خرج و ذخیره شش‌ماهه ندارد از زمستان این شهر بگریزد) در حوض یخ قربه‌الی‌ا... تن به آب زده غسل می‌کند و نوری از آسمان در قلبش می‌نشیند و... حافظ عاشق خواب‌نما می‌شود و با جامی از شراب طهور مولاعلی سرمست واژگان قدسی از خواب می‌پرد و چنین شاهکاری می‌نگارد که دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند... در حالی که سخنور حرفه‌ای می‌داند چه مایه خون‌دل خوردن‌ها می‌باید تا شاعری شعری بسراید که مقبول صاحب‌نظران افتد، تازه اگر بسیاری پارامترها و ضرورت‌ها گرد هم بیایند و... شعر از آن «خداخواسته‌ها» باشد اگرنه مگر در هزاره سخنوری فارسی، چند شاعر و شعر به جاودانگی رسیده‌اند؟! برگردیم به شعر محتشم.

بند آغاز سخن به‌ویژه برائت استدلالی تازه است با این‌که تمام اصول بلاغی به‌کاربسته شده در شعر محتشم در دیگر شعرها قابل شناسایی است اما حسن تالیف واژگان و کاربرد درست کلمات ترکیب‌بند، خواننده را مجاب می‌کند نه واژه‌ای اضافه نه کم است و نه می‌توان به شسته‌رفتگی سخن محتشم، واژه‌ای پیشنهادکرد، نه می‌توان از آن واژه‌ای کاست و برداشت یا جایگزین ساخت. ویژگی این تعریف و توصیف، چیز ساده‌ای نیست و تنها شاهکارهای همه‌چیزتمام به این چنین ویژگی نابی دست می‌یابند و به‌قول شاعران، سخن در وجه جلالی‌اش کامل است. براعت استهلال یعنی دیباچه و مقدمه‌ای که به زیباترین وجه، شمایی کلی از سخن را به خواننده ارائه کند این هنر به قدری دشوار است که در سراسرای ادب پارسی، تنها چند براعت استهلال هست که اشاره کردنی و نام بردنی است مانند آغازه بیژن و منیژه حکیم فردوسی و همین بند آغازین در شعر محتشم:

شاعر با صنعتِ تجاهل العارف آغاز می‌شود، با پرسش و درگیرکردن ذهن مخاطب و ایجاد سوال برایش، او را پای سخن می‌نشاند و به اندیشیدن وامی‌دارد:

باز این چه شورش است/ چه رستاخیز عظیمی است / این صبح تیره از کجا دمید؟ انگار که افق هم دگرگونه شده و صبح از شرق نمایان نگردیده! و درست و به موقع می‌نویسد که روشن و گویا این‌بار از سمت غروب انگار آفتاب طلوع کرده و این همه، ذهن مخاطب را آماده می‌کند تا بخواند و بداند مگر چه شده چه روی داده که محتشم آن را با قیامتِ دنیا وصف و معرفی کرده؟! و این آشوب رستاخیزرنگ نه فقط در ناسوت و ماسِوا که حتی در عالم ملکوت هم جاری و ساری شده است به‌ویژه در جایی‌که که جای هیچ اندوهی نیست همه اندوهگین‌اند: در بارگاهِ قدس، که جای ملال نیست/ سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است... و سرانجام از عزای اشرف اولاد آدم یاد می‌کند و با چنین اشاره پیراسته و کوتاهی ضربه نهایی را وارد می‌کند و بغض واژگان را می‌ترکاند:

پرورده کنارِ رسول خدا: حسین!

ازین به بعد هر بیت، برآمده از واژگانی است که همه به نوعی به دیگری ارجاع می‌دهند. واژگان در دل هم به **نرمی و طنازی و دلنوازی می‌چرخند** واژگان به قول حافظ چنان دل‌نشان و مقبول به رقص آوا و معنا درمی‌آیند که شور قیامت را در طنین کلمات می‌توانی حس‌کنی: گر چشم روزگار بر او فاش می‌گریست/ خون می‌گذشت از سر ایوان کربلا.

این داده را باید واشکافت. محتشم به درستی در اینجا با تلمیح، غیرمستقیم به احادیثی اشاره می‌کند که از خون گریستن جهان بر امام ما حسین می‌گویند و با ترکیبِ (فاش و آشکارنبودنِ گریه جهان) یکی از باورهای مهم ما را یادآور و تعمیق می‌کند. که این گریستن نه از جنس باران آسمانی معمولی یا مثل آن بلکه در بعدی دیگر و ساحتی فراتر از گستره ماده و مادیات روی داده و بنا به فرمایش بزرگان هرساله عاشورا تکرار می‌شود(مثلا علامه طباطبایی روز عاشورا در تجربه‌ای دینی، دل خون‌شده سنگ‌ها را به کسی که همراه‌شان بوده نشان داده‌اند).

رگه‌های حدیث بسیاری که در ترکیب‌بند نمایان است، جدا از تاثیر زمانه‌اش که غلبه با اخباریان و قله‌های این نحله بوده که رجوع به مکتب اهل بیت را محور جهان‌بینی‌شان ساختند (نگره‌ای که بعدها بر اثر زیاده‌روی‌ها به جمود اندیشه رسید) یکی از فرازهایی که با تلمیحی بس دلنشین آغاز شده: بر خوان غم چو عالمیان را صلا زدند/ اول صلا به سلسله انبیا زدند... او به ترتیب با همان اعجاز تناسب و اعجاز ایجاز، اشاره‌وار با یک استعاره‌ای بس درخشان و بی‌نظیر به اوصیا می‌پردازد: نوبت به اوصیا که رسید آسمان تپید! و قدم به قدم ما را به اوج سخن می‌رساند اما دریغا و بسیار دریغا! شعرمحتشم؛ که در بند پایانی متاسفانه این چنین فاجعه‌ای نه به او و بینش درستی داده نه از آن درس درستی گرفته تا با همان روال غیرمستقیم زبان‌آوریش آن را به گوهر کلمات بکشد، متاسفانه این حادثه بزرگ انسان‌ساز را این سرمشق و اسوه جاودانه را یعنی عاشورا که خود، متنی یگانه و جاویدان و سرشار معناهای بی‌پایان است، به چرخ نسبت می‌دهد. ای چرخ! غافلی که چه بیدادکرده‌ای! شگفتا! نه به آن شوری شور، نه به این بی‌نمکی! کم‌مایه‌ترین و سست‌ترین بخش سخن محتشم همین‌جاست که دیگر به بیان خشک برخی باورهای غلط و خرافه‌ها می‌پردازد آن هم درباره یک واقعه عینی فرازمانی و فراتاریخی و رقم‌خوردن آن را این‌چنین ساده‌لوحانه به چرخ فلک منسوب می‌کند بی‌که به خواننده‌ای که سرشار حماسه حسینی است، چیزی از خروش جاودانه و بیدارگر زینبی بتابائد یا بینشی درست در پی آن شعرشکوهمند ارائه کند.

سرمستی واژگان محتشم

با این‌که محتشم جابه‌جا با تلمیحاتی که با لطف و متانت و ظرافت خاصی با جان کلامش پیوند خورده و یکی شده، به مخاطبش می‌نمایاند که به‌خوبی آموخته مکتب راستین شیعه و اسلام ناب محمدی است و می‌داند که در سرمستی واژگانش چه می‌گذرد و چه می‌شود، هرگز سمت شعر را به نفع بیانگری و القای یک اندیشه خاص و تک‌برگی رهانکرده. او آگاهانه سراغ سخن نرفته بلکه این شور سخن است که او را توفانی ساخته و به شور انداخته و در جایی میانِ بی‌خودی و کشف به سرایش پرداخته (به‌قول سپهری)